

آنگاه که واقعه ای اتفاق می افتد همگان را ترس و وحشت فرا می گیرد.

حال از خود سؤال کنید هراس شما از برای چیست؟

بزرگترین ترس و وحشت هنگام مرگ است.

مرگ خود نوعی از قیامت است، پس سؤال کنندگان روز قیامت خود میدانند که مرگ برای هر شخصی هر لحظه می تواند باشد.

حال بگوئید ترس از مردن برای چیست؟

ترس از مردن خود نشانه حضور عدالت است، خود نشان محاکمه و دریافت جزاء اعمال و یا پاداش بر عمل است، پس همگان به نوعی حضور خالق را باور دارند و میدانند **گریزگاهی برای فرار از عدالت الهی وجود ندارد**، در این حالت شما که از لحظه مرگ خود آگاهی ندارید و میدانید که هر لحظه امکان مردن می تواند باشد سعی نمائید پرونده زندگی خود را مورد بازبینی

قرار دهید و چنانچه پرونده شما بر اساس عدالت خود شما تیره و تار است باید تلاش برپاکسازی آن نمائید.

خود شما بر اساس منطق عدالتگرا برای قضاوت خود

کافی هستید، فراموش نکنید که نباید خود را فریب

دهید، آنگاه که ترس و وحشت دارید بدانید که خود را

منصفانه قضاوت نکرده اید ، شخصی که خود را به

درستی قضاوت کند تنها ترس او از اتمام فرصت

اوست ، میترسد که فرصت تمام شود و او نتوانسته

باشد آلودگیهای وجودی خود را پاک نماید ، چنین

شخصی خود میداند در همه حال دنبال پاکسازی خود

می باشد، از آلودگیها گریزان و جویای نیکی ها است

، کسی که ترس از پایان فرصت ندارد و تنها از مرگ

میترسد بداند که پرونده ای آلوده ای دارد **در غیر این**

صورت ترس او از برای چیست؟

اگر پرونده ات پاک باشد ترسی برای اتمام فرصت

نیست چه این اتمام فرصت بر اساس فرا رسیدن مرگ

یا بر اساس واقع شدن قیامت باشد، با وجود این امر پس

چنین سئوالی کلا خطا است.

اگر اطمینان به پاکی خود نداری فی الحال که فرصت داری تلاش کن ، آنگاه که دم آخر فرا رسد هرگز فرصتی پیدا نخواهی کرد، آنان که کنترلی بر اعمال، گفتار و افکار خود در جهت نیک بودن ندارند حتی اگر بگویند به آنها ساعت و لحظه قیامت را هرگز باور نخواهند کرد، همانگونه که مرگ خود را باور ندارند و به ناگاه جان از کالبد وجودیشان خارج خواهد شد، انسان منطق نگر بایستی هر لحظه را لحظه انتها فرصت بداند تا آنکه بتواند خود را از آلوده شدن نجات دهد، شخصی که هر لحظه را اتمام فرصت خویش بداند هرگز سعی در افزایش دارائیهای ظاهری ندارد و خود را وابسته آنها نمی کند، کار و فعالیت دارد ولی بدور از وابسته شدن نسبت به دارائیهای فانی. دارائیهای ظاهری و دارائیهای معرفتی هر دو لازم است ولی ارجحیت با داشته های معرفتی است، زیرا هنگام مرگ داشته های ظاهر هرگز همراه شخص نیست الا پرونده اعمال او، داشته های ظاهری بایستی عام المنفعه باشد و برای عموم سودرسانی کند تا آنکه

میزان کمیت های مثبت شخص بالا رفته و به اودر
عالم پنهان کیفیتی برتر عنایت شود، اعمال خود را
نیک کنید تا آنجا که فرصت دارید و دارائیهای بدست
آورده را خرج عموم کنید تا بدین واسطه با افزایش
کمیتها به کیفیتی برتر نائل شوید، قانون خداوند بر
اساس عدالت است در زمان حیات خود تلاش بر جمع
کردن مثبت ها کنید و در زمان پس از مرگ دارائیهای
ظاهری شما به واسطه عام المنفعه بودن عامل جمع
آوری مثبت برای شما بشوند.

آیا از ازل تا بحال هیچ امری خارج از عدالت الهی
صورت گرفته است؟



شما چنانچه خود عادل باشید بر اساس منطق عدالتگرا بدانید که به آرامش خواهید رسید و از امواج ناآرامیها جدا خواهید شد، شما در حال حاضر قیامت را با اجرای عدالت بر امور جاری وجودی خود برای خود برپا سازید و قیامت الهی را واگذار نمائید به ساعت و زمان خاص خود که ثبت شده لوح ازلی خداوند است هر لحظه خود را واقع عدالت خداوندی دیدن ، خود قیامت است، آنجا که میدانید هر عملی چه کوچک یا بزرگ دارای جزا و یا پاداش الهی می باشد سعی شما بر اجرا نمودن عدالت، خود حضور قیامت است چگونه است که لحظه لحظه اعمال و رفتار خود را بدون اجرای عدالت سپری نمائید و آنگاه بخواهید در زمانی محدود اعمال گذشته را بر اساس ایجاد ترازوی عدالت جبران نمائید، این فکری موهوم است.